

Recognizing Artificial Intelligence (AI) as A Legal Person: Providing A Policy Proposal to the Iranian Legislator

Morteza Shahbazinia¹, Mohammad Javad Zolghadr²

1- Associate Professor, Department of Private Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2- Ph.D. Student of Private Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author: m_zolghadr@modares.ac.ir)

Abstract

The expansion of artificial intelligence (AI) usage and the potential for damages arising from its application in various domains necessitate the establishment of conditions for compensating losses resulting from AI decisions and actions. This includes enabling direct transactions through AI and removing legal barriers to progress in this field. Consequently, the need to recognize legal personality for AI has emerged as a reasonable solution. Most legal questions regarding AI are related to the possibility of AI acquiring rights and obligations (i.e., having legal personality). This study employs a descriptive-analytical methodology based on library research to explore this issue. The findings indicate that while granting legal personality is theoretically possible, the current regulations in Iran do not support the extension of legal personality to AI. Furthermore, this research proposes that by anticipating legal personality for AI, it would be possible to utilize this recognition in formulating effective legal policies in Iran concerning active legal engagement in the field of AI. The discourse surrounding AI's legal status reflects broader concerns about accountability, responsibility, and the implications of recognizing entities that operate independently of human oversight. As such, establishing a framework for AI's legal personality could pave the way for clearer guidelines on liability and ownership in transactions involving AI systems.

Keywords: Terms and Conditions, Business, Ethics, Artificial Intelligence, Cross-Sectional Study.

How to Cite this Paper:

Zolghadr, M, J. & Shahbazinia, M. (2024). **Recognizing Artificial Intelligence (AI) as A Legal Person: Providing A Policy Proposal to the Iranian Legislator**. *Journal of Science & Technology Policy*, 17(3), 41-52. {In Persian}.

doi: 10.22034/jstp.2025.11778.1819

امکان سنجی اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی:

ارائه پیشنهاد سیاستی به مقنن ایرانی

مرتضی شهبازی نیا^۱، محمدجواد ذوالقدر^۲ 

۱- دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده عهده‌دار مکاتبات: M_zolghadr@modares.ac.ir)

چکیده

گسترش و سهولت استفاده از هوش مصنوعی و احتمال ورود خسارت ناشی از کاربست هوش مصنوعی در ابعاد مختلف، به وجود آمدن شرایط لازم برای جبران خسارات ناشی از تصمیمات و اعمال اتخاذشده توسط هوش مصنوعی، فراهم شدن امکان معامله مستقیم توسط آن و زدودن موانع حقوقی پیشرفت در این حوزه، همگی نیاز به اعتبارکردن شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی را به عنوان چاره‌ای علمی، مطرح کرده‌اند. عمده سوالات حقوقی درباره هوش مصنوعی به نوعی با امکان دارا شدن حق و تکلیف توسط هوش مصنوعی (دارا شدن شخصیت حقوقی) مرتبط است. مقاله حاضر با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته که برآیند آن، این شده که با توجه به ماهیت شخصیت حقوقی، گرچه اعطای شخصیت حقوقی فی‌نفسه امری ممکن است اما ظرفیت اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی بر اساس مقررات فعلی ایران، وجود ندارد. همچنین پژوهش حاضر به عنوان پیشنهاد، مطرح می‌دارد که با پیش‌بینی شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی، می‌توان از شناسایی شخصیت حقوقی هوش مصنوعی برای تدوین سیاست قانونی موثر ایران در کنش‌گری قانونی فعال در حوزه هوش مصنوعی بهره برد.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، شخصیت حقوقی، شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، حقوق هوش مصنوعی، تکالیف هوش مصنوعی.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

شهبازی‌نیا، مرتضی. و ذوالقدر، محمد جواد. (۱۴۰۳). امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی: ارائه پیشنهاد سیاستی به مقنن ایرانی. *سیاست علم و فناوری*، ۱۷(۳)، ۴۱-۵۲.

doi: 10.22034/jstp.2025.11778.1819

۱- مقدمه

در دهه اخیر با افزایش دامنه کاربرد فناوری‌های هوشمند - به طور خاص، هوش مصنوعی - در شئون حیات مردم [۱]، بر کسی پوشیده نیست که لازم است حقوق‌دانان و سیاست‌گذاران ارتباط میان فناوری روز و حق‌ها^۱ و حقوق^۲ را مورد بازنگری قرار دهند. فناوری نوین سؤالاتی را با خود به ارمغان آورده که شاید حقوق‌دان و سیاست‌گذار را چاره‌ای نباشد جز اینکه در پاسخ به آن‌ها نظریات سابق را نقض کرده و طرحی نو دراندازند.

بنا به تعریفی که سند ملی هوش مصنوعی (مصوب ۱۴۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) به عنوان تنها تعریف قانونی از آن ارائه داده، هوش مصنوعی «به توانایی ماشین برای انجام عملکردهای خودکار و نظام‌مند از جمله یادگیری، درک، استنتاج، حل مسئله، پیش‌بینی، تصمیم‌گیری و اقدام از طریق به‌کارگیری دانش و اطلاعات و پردازش داده گفته می‌شود که منشأ اثرگذاری‌های گسترده بر انسان و روابط انسانی در محیط فیزیکی یا مجازی و همچنین بازتاب‌های زیست‌محیطی است. هوش مصنوعی ماهیتی داده‌ای، شبکه‌ای، الگوریتمی، خوشه‌ای، لایه‌ای و یکپارچه، مبتنی بر منطق‌های کلاسیک و سایر منطق‌های نوین دارد». چنین هوش مصنوعی‌ای که بنا به تعریف، می‌تواند بر محیط پیرامون تأثیر بگذارد، لاجرم موجب ایجاد آثار حقوقی خواهد شد.

سیاست‌گذار ایرانی برای نیل به هوش مصنوعی ایمن و قابل اعتماد، ناگزیر است چاره‌ای حقوقی برای آثار و نتایج این فناوری بیاندیشد. زیرا اساساً از نظر علم حقوق، تنها «اشخاص»، مخاطب قانون هستند و غالباً نمی‌توان تصور نمود که موجودی که از نظر حقوقی واجد شخصیت حقوقی نیست، مخاطب خطاب قانون‌گذار قرار گیرد. لذا بحث از سؤالاتی از قبیل آنکه در تصادم دو کشتی خودران چه کسی مسئول است؟ و آیا یک محصول هوش مصنوعی می‌تواند متصدی امری - همانند قضاوت، داور، وکالت یا دادستانی - شود که تا دیروز همگان بر آن بوده‌اند که از مختصات انسان است؟ و بسا سؤالات جدی‌تر، نیازمند تدقیق و تحقیق جدی

در این معنا است که آیا هوش مصنوعی می‌تواند مخاطب قانون و به تعبیری دقیق‌تر، «شخص» تلقی گردد؟ پژوهش حاضر ضمن آنکه با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پیش‌گفته پرداخته، از حیث رویکردی، در دو ساحت متفاوت ارائه می‌شود. ساحت نخست که عمده بحث را شامل می‌شود، در مقام سنجش «امکان» و بررسی قابلیت تحقق موضوع شخصیت حقوقی هوش مصنوعی در فضای حقوقی و بالخصوص حقوق ایران است و ساحت دوم، نظر به پاسخی که به رویکرد نخست داده می‌شود، در مقام «تجویز»، مقنن ایرانی را به موجب الزاماتی که در این موضوع دیده می‌شود، دعوت به پذیرش یا عدم پذیرش این نهاد می‌نماید. لذا پژوهش حاضر در دو گفتار آتی به این بحث خواهد پرداخت.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش، نخست به بیان مقدمات نظری شخصیت حقوقی پرداخته خواهد شد و سپس نظریات مختلف راجع به ماهیت شخص حقوقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱ تعریف شخصیت حقوقی

از آنجا که شخصیت حقوقی تعریف قانونی ندارد، با مراجعه به آراء حقوق‌دانان مشاهده می‌شود که «شخصیت [حقوقی] عبارت از قابلیت است در انسان که بتواند در جامعه دارای تکلیف و حق گردد و آن را با واسطه یا بدون واسطه اجرا نماید» [۲]. به عبارت دیگر «اگر این وصف [شایستگی برای دارا شدن حق و تکلیف] ذاتی شخص نباشد، بلکه قانون‌گذار یا خردمندان جامعه آن را برای موجودات اعتبار نموده باشند، و در نتیجه قابلیت سلب و انفکاک از آن موجود را داشته باشد، در این صورت چنین شخصیتی را «شخصیت حقوقی» و دارنده آن را «شخص حقوقی» می‌نامیم» [۳]. نکته حائز اهمیت در این تعریف این است که شخصیت حقوقی، یک وصف یا یک حالت است که به یک موجود اعتباری یا عینی اعطا می‌شود تا بتواند طرف حق و تکلیف شود؛ لذا می‌توان گفت شخصیت حقوقی وصفی است از شایستگی یک ماهیت برای دارا شدن حق و تکلیف [۴]. به این معنا دو دسته ماهیات

¹ Rights

² Laws

۳-۲ ماهیت شخص حقوقی

در مباحثات حقوق‌دانان، بحث‌های گسترده‌ای در خصوص ماهیت شخصیت حقوقی شده که بررسی آن‌ها در راستای بررسی امکان اعطای شخصیت حقوقی به ماهیتی نویافته اهمیت دارد؛ از آن جمله به منتفی بودن شخصیت حقوقی، واقعی بودن شخصیت حقوقی، فرضی بودن شخصیت حقوقی و اعتباری بودن شخصیت حقوقی اشاره شده است که به نظر می‌رسد نظر اخیر در میان نظریات ارائه شده با مبانی حقوقی ایران سازگاری بیشتری دارد [۱۲]. این نظریه بیان می‌کند که ماهیت اعتباری، صرفاً در چهارچوب روابط انسانی معنا پیدا می‌کند و بدون این روابط، فاقد ارزش است. همچنین تأکید دارد که اعتبار شخصیت حقوقی نه تنها به اراده افراد، بلکه به تأیید قانون‌گذار نیز وابسته است. قانون‌گذار با احترام به اراده آزاد افراد، ماهیاتی را که با توجه به ضوابط قانونی و با رعایت ترتیبات مقرر در قوانین، اعتبار کرده‌اند به رسمیت می‌شناسد. این شناسایی به تفاوت ماهیت مورد بحث، متفاوت است، گاهی با تجری آثار حقوقی به یک عقد متجلی می‌شود و گاهی نیز با پذیرش ثبت یک موجود تصنعی نوظهور به عنوان یک شخص حقوقی ظاهر می‌گردد. در حوزه ثبت شرکت‌های تجاری، یکی از مهم‌ترین مثال‌های شخص حقوقی، تا پیش از قرن ۱۹ میلادی، مجوز تأسیس شرکت‌ها به طور انحصاری و به مثابه امتیازی ویژه، صرفاً در دست دولت‌ها بود؛ ولی با گذشت سالیان، نیاز اجتماعی و تحول اقتصادی سبب امکان‌پذیر شدن تشکیل شرکت‌های تجاری بر مبنای اصل آزادی تأسیس شرکت [به عنوان یکی از شقوق آزادی اراده] شد. در همین خصوص دولت‌ها برای سازمان‌دهی به تعاملات شرکت‌ها با جامعه، اقدام به ایجاد یک نظام ثبتی نمودند [۱۳] که با جریان اعتبار قانونی بر اراده معاملی افراد، اراده ایشان را جامه حقوقی می‌پوشاند.

این مهم بدان معناست که اراده افراد، اگر بخواهند ماهیت جدیدی مثل هوش مصنوعی را شخصیت حقوقی بخشند، تا با تأیید قانون‌گذار همراه نشود، واجد آثار حقوقی نخواهد شد. بدین ترتیب هر ماهیت جدیدی که عقلاً، لزوم اعطای شخصیت حقوقی بدان را لازم بشمارند، می‌بایست حتماً با طی مقدمات مورد نظر قانون‌گذار به شخص قانونی مبدل

می‌توانند واجد شخصیت حقوقی باشند و شخص قانونی تلقی شوند: اشخاص حقیقی (انسانی) و اشخاص حقوقی (غیرانسانی).

۲-۲ سابقه تاریخی دارندگی شخصیت حقوقی: از دوران باستان تا عصر حاضر

در حقوق خارجی و نیز در سنت فقهی امامیه (به عنوان یکی از منابع تاریخی حقوق معاصر در ایران)، ماهیاتی غیرانسانی، جملگی برای رفع حوائجی از انسان، واجد نوعی شایستگی برای دارا شدن حق و مکلف شدن به تکلیف بوده‌اند. در حقوق خارجی برای مصالح خانوادگی و نیز حفظ روابط خاص مالکیتی، خانواده دارای چنین صفتی بوده است [۵]. معابد و پرستش‌گاه‌ها در دوران باستان برای تأمین معاش کاهنان [۶] و در ادوار متأخر، کلیساها برای ایفای وظایف مذهبی دارای چنان وصفی گشته‌اند [۷]. در سنت اسلامی نیز به نوعی، سابقه دارندگی این وصف (شایستگی نسبت به دارا شدن حق و تکلیف) دیده می‌شود: مساجد، از دو طریق ممکن است مالی را در اختیار گیرند؛ نخست آنکه ممکن است مالی بر مسجد وقف شود و نیز ممکن است مالی به تملک مسجد درآید [۸]؛ همچنین درباره زکات، از میان فقها، برخی را نظر بر آن است که حاکم می‌تواند در مواردی خاص که لزومی ایجاب می‌نماید، بر عهده زکات قرض بگیرد و پس از تادیه زکات، از محل آن، قرض را بپردازد [۹]. در واقع این نظر به طور ضمنی قائل بر آن است که زکات می‌تواند پایه‌ای از شخصیت حقوقی داشته باشد [۱۰].

همچنین موقوفات دارای چنین شایستگی‌ای بوده‌اند. این نکته علاوه بر اینکه در مواد قانونی (ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳) آمده، در نظرات فقها و حقوق‌دانان نیز متجلی است [۱۱].

در حقوق امروزی نیز برای ماهیات مختلفی دعوی شخصیت حقوقی شده است تا جایی که بسیاری برآنند تا برای ماهیاتی نیز که به طور سنتی شخصیت حقوقی نداشته‌اند، شخصیت حقوقی در نظر بگیرند. اما بدون تردید شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیر تجاری از مهم‌ترین مصادیق دارندگان شخصیت حقوقی در حقوق خصوصی هستند.

گردد تا مخاطب قانون‌گذار تلقی شود و نتایج و آثار حقوقی اعمال و کنش‌های او متوجه آن گردد.

۳- شخصیت حقوقی هوش مصنوعی

در ۱۹۸۱ کنجی اورادا^۱ کارگر شرکت موتورسازی کاوازاکی، هنگامی که مشغول به کار با یک ربات صنعتی بود، علی‌رغم تلاش‌اش برای خاموش کردن ربات، به داخل دستگاه کشیده شد و درگذشت. اتفاقات هولناک مشابه و نیز ترس نهادینه و غریزی انسان از تغییر و اضافه‌شدن موجود جدید در زیست‌بوم‌اش، بسیاری از افراد را نگران و پژوهش‌گران را وادار به چاره‌جویی کرده‌است. یک پرسش اساسی (که در بُن، مرتبط با شخصیت حقوقی است) آن است که آیا هوش مصنوعی به‌کاررفته در یک پهپاد، یا در یک سلاح خودکار الکترونیکی، در یک معامله‌گر بازار سهام و... از نظر اخلاقی یا حقوقی مسئول زیان‌های ناشی از تصمیماتش خواهد بود؟ و اگر پاسخ بدین سوال را مثبت تلقی کنیم، دارایی کدام شخص، وثیقه پرداخت خسارات ناشی از اقدامات سامانه‌های مجهز به هوش مصنوعی شمرده می‌شود؟ این سوال، اساس تفکر اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی است. زیرا این تفکر چنین می‌پندارد که اگر یک شخصیت و تبعاً یک ذمه و دارایی، به دارایی‌هایی که مسئول پرداخت خسارات احتمالی شناخته می‌شوند منضم گردد، در نگاه کلان و از دید سیاست‌گذار حقوقی که قاعداً می‌بایست صلاح عامه را با نگاه به بازگذاشتن فضا برای رشد فناوری‌های نوین در نظر داشته باشد، استیفای حقوق زیان‌دیدگان احتمالی، آسان‌تر و سریع‌تر خواهد گشت.

این تفکر البته بی‌سابقه در جهان نیست ولی تمهید مبانی نظری برای نظام حقوقی ریشه‌داری همانند نظام حقوقی ایران به پذیرش سهل‌تر و ورود متقن‌تر به این حوزه، کمک شایان می‌نماید. لذا در دو بند آتی نخست به ویژگی‌هایی که یک ماهیت‌خارجی برای آنکه به عنوان شخصیت حقوقی شناخته شود لازم است و سپس به ارزیابی تجربه‌های خارجی و مقررات ایران پرداخته خواهد شد.

۳-۱ انواع شخصیت حقوقی جهت اعطا به هوش مصنوعی
بعد از بیان مقدمات، اکنون باید دید از نظر حقوقی اساساً چه ماهیتی می‌تواند شخصیت حقوقی بیابد؟ زیرا بدیهی است که "هرچیزی" نمی‌تواند شخص حقوقی تلقی شود و این اندیشه که یک نظام حقوقی می‌تواند هرچیزی را به عنوان یک موجود واجد شخصیت حقوقی بپندارد، باطل است. لذا در این گفتار یک مدل نظری برای شرایط موردنیاز یک ماهیت‌غیرانسانی برای اعطای شخصیت حقوقی ارائه و تطبیق آن با موضوع هوش مصنوعی تبیین گردد.

الف) شخصیت حقوقی منفعل^۲

شخصیت‌منفعل همانطور که از نامش پیداست، صرفاً پذیرای آثار حقوقی خواهد بود و از خود دخل‌وتصرفی در آن نمی‌تواند داشته باشد. شخصیت حقوقی منفعل برای حمایت از موضوع و اعطای منفعت‌های قانونی و مشروع به او، ایجاد شده است. ملاک در اعطای شخصیت حقوقی غیرفعال (منفعل) به یک ماهیت‌غیرانسانی، قابلیت و شایستگی او در نگه‌داشتن «حق‌های اساسی قابل‌استناد در برابر سایرین»^۳ است. باید توجه داشت که ابتدایی‌ترین گروه واجدان حق‌های اساسی قابل‌استناد در برابر سایرین^۴، ماهیات ذی‌شعور و مُدرک (درک در بدوی‌ترین معنا: درک حالات و شرایط محیط)، هستند که به نظر کانت (در تعریف شخص)، به سوژه‌ای اطلاق می‌شود که اعمال و کنش‌های او می‌تواند منتسب به او باشد [۱۵].^۵ بر این بنیاد، چون شخصیت حقوقی غیرفعال برای حمایت از موضوع به او اعطا می‌شود؛ بر همین

^۲ Passive Legal Personhood

^۳ از این اصطلاح تحت عنوان Claim-rights یاد شده و به نظر می‌رسد این ترجمه که پیشنهاد نویسنده است، از ترجمه به «حق-ادعا» رساتر و اقرب به معناست. درباره چستی این حقوق (حق‌ها) ذکر شده که:

"Claim- rights involve the directedness of duties; they are held by beings to whom duties are owed" [۴۴].

^۴ Claim-Rights

^۵ تلقی کانتی در خصوص شخص، مشهور به تلقی ارزش‌گرایانه (Axiological conception of person) است که در یک تقریر ساده، بیان می‌دارد که شخص، حامل ارزش است و شخصیت (شخص‌بودن) را ارزش‌های اخلاقی قوام می‌دهد. در این چنین دیدگاهی، کمال و نقصان عقل و نیز سطح‌ای که درک به عنوان تابعی از سن می‌تواند داشته باشد، دخیل نیست. در واقع شخص، [از آنجا که شخص است]، حامل ارزش‌های اخلاقی است و چون حامل ارزش اخلاقی است، واحد اخلاقی شمرده می‌شود، از همین‌رو در برابر کنش‌های خود پاسخگو خواهد بود [۱۶].

^۱ Kenji Urada (1944-1981)

هسته مرکزی این بررسی مبتنی بر این است که فرض شود که ارزش‌مندی اخلاقی هوش مصنوعی به عنوان تابعی از خودگردانی، به آن پایه رسیده است که می‌توان افعالش را به خود او نسبت داد، آنگاه بر اساس این «معیار» (که مبتنی است بر استدلال اخلاق‌گرایان [۱۸]) هوش مصنوعی می‌تواند واجد شخصیت حقوقی باشد.

نتیجه این بررسی در عالم حقوق چنین است که اگر طرف احتمالی قرارداد با هوش مصنوعی بپذیرد که مشغول تعاقب با یک موجود دارای حداقل درک مورد نیاز است، کافی است. البته اینجا دیگر اهمیتی ندارد که بدانیم آیا واقعاً هوش مصنوعی می‌تواند درک عمیق و جدی را تجربه کند یا خیر. زیرا درک عمیق و جدی عنصر محوری برای عهود اخلاقی است، نه قرارداد حقوقی. به همین علت است که در رویکرد اخلاقی (ارزشی) به هوش مصنوعی، از درک حداقلی صحبت به میان می‌آید، نه درک عمیق. مدعای این معیار هم همین است که با احراز درک حداقلی در یک موجود (اینجا، هوش مصنوعی)، می‌توان با مسامحه در بحث‌های فلسفه اخلاق، هوش مصنوعی را نهایتاً واجد حداقل ارزش‌مندی اخلاقی مورد نیاز دانست و در نتیجه به آن حداقل‌ای از شخصیت حقوقی (بر اساس نتیجه این رویکرد، شخصیت‌منفعل) را اعطا نمود.

ب) شخصیت حقوقی فعال^۱

در نقطه مقابل، شخصیت‌فعال، متمرکز است بر مسئولیت حقوقی^۲ و صلاحیت‌های قانونی^۳. مسئولیت حقوقی که اعم است از مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری، معطوف است به گنجایی و ظرفیت تحمل تکلیف‌های قانونی برای یک موضوع. صلاحیت‌های قانونی، ناظر است بر آنچه که قانون‌گذار به عنوان نتیجه دارا شدن شخصیت حقوقی، برای شخص، از طریق مصوبات و مقررات موضوعه، مقرر می‌دارد [۱۹]. بر اساس تعریفی که ارائه شد، موضوعی می‌تواند واجد شخصیت حقوقی فعال باشد که بتواند مستقل تصمیم گرفته و عواقب حاصل از تصمیمات خود را بر عهده بگیرد. بنابراین، شخصیت حقوقی فعال دو رکن دارد: برعهده‌گرفتن مسئولیت

اساس است که شخصی/ اشخاصی باید به نمایندگی از شخص حقوقی منفعل، در برابر نقض حقوق وی، مدعی شوند و یا تکالیف قانونی احتمالی او را اجرا کنند. بنابراین از آنجا که شخصیت حقوقی غیرفعال با داشتن حق‌های اساسی قابل‌استناد در برابر سایرین شناخته می‌شود، هنگامی که به یک موجود حق‌هایی اعطا شود که او بتواند آن حق‌ها را «در برابر» سایرین مورد استناد قرار دهد و نسبت به ایشان احقاق کند، شخصیت حقوقی منفعل به موضوع مورد نظر اعطا شده است.

نکته قابل‌توجهی که باید ذکر شود این است که گاهی اوقات ممکن است حقوق قابل‌استناد در برابر سایرین، «در رابطه با» یک شی وجود داشته باشد. یعنی حقی «در رابطه با» یک شی، «در برابر» اشخاص ثالث به وجود آید. به راحتی می‌توان تصور نمود که شخصی «در برابر» کودک یا بزرگسال دیگری، مکلف به تکالیفی باشد، ولی اینکه ممکن است «در رابطه با» برخی موجودات بی‌درک، تکلیفی متوجه شخصی باشد، قدری متفاوت است. زیرا این تکلیف، «در برابر» آن شی قرار نگرفته است بلکه صرفاً آن حقوق و تکالیف در رابطه با آن شی هستند، پس صرف وجود این حق‌ها باعث نخواهد شد که آن شی دارای شخصیت حقوقی (منفعل) گردد [۱۷].

برای مثال تصور کنید یک نهاد یا شخص حقوقی پدید آمده تا از یک اثر تاریخی مراقبت کند، این شخص حقوقی «در برابر» آن اثر، تکلیفی ندارد؛ بلکه تکالیفی «در رابطه با» آن اثر تاریخی متوجه آن شخص است. ناگفته پیداست که این مطلب، نمی‌تواند باعث ایجاد شخصیت حقوقی برای اثر مذکور شود زیرا شخصیت حقوقی منفعل، برای آن موضوع دارای حداقل درک‌ای ممکن است تشکیل شود، که ممکن باشد دیگران «در برابر» او تکالیفی را بر عهده گیرند.

بعد از بیان این دسته، اگر در نظر بگیریم که هوش مصنوعی آن «ارزش» اخلاقی غایی را -سبنا- به درک حداقلی که هوش مصنوعی می‌تواند (برطبق تعریف) از محیط داشته باشد و بنا به الگوریتمش اثری بر آن محیط پیرامونی بگذارد- واجد است، آنگاه، اخلاقاً افعال و اعمالش به او منتسب خواهد بود و در نتیجه، می‌توان مدعی شد که هوش مصنوعی می‌تواند حق‌های اساسی را دارا شود.

¹ Active Legal Personality

² Legal responsibility

³ Legal competences

(حقوقی و کیفری) اعمال صادره از او و توانایی و قابلیت ایفاکردن تکالیف و صلاحیت‌های قانونی [۲۰].

در تفاوت این نوع از شخصیت حقوقی با نوع پیش‌گفته (منفعل)، باید گفت که شخص حقوقی فعال به مثابه «اداره‌کننده‌ی حق» و شخصیت حقوقی منفعل به منزله‌ی «منتفع از حق» می‌باشد و از ثمرات حق‌دار بودن بهره می‌برد. البته این نکته بدان معنا نیست که دارنده شخصیت منفعل (مانند صغیر) مطلقاً از مسئولیت مبری است؛ بلکه قائلین به این نظریه می‌گویند، گونه‌ای از شخصیت حقوقی فعال وجود دارد تحت عنوان شخصیت مشقت‌مند/ تکلیف‌دار صرف^۱ که از میان موارد ذکرشده، فقط مسئولیت را با خود به همراه دارد و کودک که از آن یاد شد، علاوه بر اینکه شخصیت حقوقی غیرفعال دارد، در سنین خاصی و بر اساس مقررات موضوعه، حدی از مسئولیت (کیفری) هم دارد و به عنوان مثال اگر مرتکب جرمی گردد، عقوبت آن را متحمل خواهد شد و نیز علاوه بر این مورد، در سوابق نظام‌های حقوقی غربی، بردگان گرچه علی‌القاعده حظی از حق‌داشتن نمی‌بردند؛ اما مسئولیت‌های کیفری عدیده‌ای متوجه ایشان بود [۲۱].

اعطای صلاحیت‌های قانونی، امکان مشارکت^۲ فرد در نهادهای حقوقی و در نتیجه، امکان بهره‌مندی وی را فراهم می‌آورد. بر این اساس محدوده^۳ اعمال صلاحیت قانونی ناشی از شخصیت‌فعال، با عنوان مستقل^۴ و غیرمستقل^۵ خوانده می‌شود که به ترتیب با ترجمان اصطلاحی «اهلیت استیفا» و «اهلیت تمتع بدون اهلیت استیفا» هم‌خوان می‌باشند. بر این اساس صلاحیت‌های قانونی مستقل (غیروابسته)، برای شخص امکان اعمال صلاحیت‌های خود بدون تصویب دیگری را به ارمغان می‌آورد، درحالی‌که صلاحیت قانونی وابسته برای تأثیر حقوقی، نیازمند تصویب و تایید شخص دیگری (برای مثال قیم یا ولی) است [۲۲].

عنصر دیگری که اهمیت دارد، توانایی ایفای تکالیف قانونی است. سؤال مهم این است که چه کسی می‌تواند تکالیف قانونی را اجرا کند؟ اجرای قانون از جانب فرد قاصد (فردی

که اساساً ظرفیت داشتن قصد را دارد) سر می‌زند و الا اگر یک حیوان یا انسانی که به کلی نمی‌توان «قصد» و عمل قاصدانه را به اعمال او نسبت داد، عملی را انجام دهد که ناظر بیرونی گمان برد که آن فرد مشغول تمکین به اوامر قانون است، نمی‌توان از او به این عنوان پذیرفت، زیرا اعمال حقوقی غیرقاصد (مانند مجنون) فاقد آثار قانونی است. به عنوان مثال فردی که از نظر ذهنی به حدی ناتوان است که بر اساس تشخیص پزشکان نمی‌توان گفت که او اعمالش قاصدانه است، اگر فعل مَنه‌ی‌ای را مرتکب نشود، نمی‌توانیم بگوییم که او در حال تمکین به قانون است؛ کما اینکه اگر عملی را خلاف قانون به انجام رساند، نمی‌توانیم بگوییم او مشغول نقض قانون است. زیرا اساساً این افعال نیازمند قصد است و انتساب قصد به آن فرد، اساساً ممکن نیست. بنابراین در جمع بندی این بخش باید گفت موجودی (موضوعی) را می‌توان شخصیت حقوقی اعطا کرد که:

- به مقدار حداقلی درک از محیط پیرامون داشته باشد؛ که در این صورت شخصیت حقوقی منفعل به آن موضوع اعطا خواهد شد.

- آن حد از درک و نیت قاصدانه را دارند که مقنن ترکیبی از مسئولیت و صلاحیت را به او به عنوان شخصیت حقوقی فعال اعطا نموده که شامل سه شق می‌باشد:

الف- درک و قصد به حدی است که تمام مسئولیت را می‌تواند بر عهده بگیرد و مانعی برای اعطای تمام صلاحیت‌ها به وی وجود ندارد.^۶

ب- درک و قصد در حدی است که فقط برخی از مسئولیت‌ها را می‌تواند بر عهده بگیرد و در این نقص در درک و قصد، مانعی برای اعطای تمام صلاحیت‌ها به وی وجود دارد.^۷

ج- در برخی موارد، فقط مسئولیت متوجه فرد می‌شود و از حق‌هایی که ممکن است داشته باشد (مثل کودکان) یا نداشته باشد (مثل بردگان) بهره‌مندی واقعی نخواهد داشت.^۸

در تطبیق این سنخ از شخصیت حقوقی (فعال) با هوش مصنوعی نخست باید متذکر شد شخصیت حقوقی فعال با

^۱ Onerous Legal Personhood

^۲ Participate

^۳ Scope

^۴ Independent

^۵ Dependent

^۶ Independent

^۷ Dependent

^۸ Onerous Legal Personhood

ظرفیت و قابلیت اقدام به ایفای تعهدات قانونی و یا اقدام به انجام اعمال حقوقی بر اساس قانون، ارتباطی وثیق دارد. تفسیر نوع این ارتباط و عمق آن در قالب شخصیت حقوقی به یک طیف می‌ماند که دو نقطه بیشینه و کمینه دارد.

به جهت یادآوری بیان می‌شود که این معیار برای اعطای شخصیت حقوقی، هوش مصنوعی را نه از نظر اخلاقی، بلکه از نظر قانونی و موضوعی مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا هوش مصنوعی می‌تواند از لحاظ نرم‌افزاری، مقررات قانونی را اجرا کند و آیا مقررات قانونی برای اجرای آن‌ها توسط هوش مصنوعی متناسب هستند یا نه؟

طیف یادشده بیانگر سطحی از متابعت از قانون است که قائلان هر گروه، برای هوش مصنوعی در نظر می‌گیرند. گروهی هوش مصنوعی را واجد شرایطی که بتواند تابع قانون باشد و مخاطب خطابات قانونی قرار بگیرد، نمی‌دانند و به کلی هوش مصنوعی را در حرمان می‌دارند. گروهی دیگر هوش مصنوعی را یکسره متابع قانون و مخاطب آن می‌دانند و معتقدند هوش مصنوعی می‌تواند اقدامات بر اساس قانون انجام داده و نیز تعهدات قانونی‌اش را هم ایفا کند.

یک سر طیف برداشت از این ارتباط، آن است که هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار در دست انسان است و آن‌سان که آدمی با استفاده از ابزار، اعمال خود را تسهیل می‌کند، هوش مصنوعی هم برای سهولت آمده و سهل زندگی بشر، غایت سهم آن از تلقی ماست [۲۳] و از آنجا که ابزار موضوعیت ندارد، پس شایستگی بررسی حقوقی را هم فاقد است. زیرا در یک بررسی حقوقی، خودکاری که با آن یک سند تجاری امضاء می‌شود، موضوعیت ندارد، بلکه آنچه مهم است کیفیت فرد صادرکننده و سند تجاری است. در این مثال خودکار ابزار و فرد امضاءکننده، موضوع بررسی است و مثلاً از حیث حجر و اهلیت، رضا و اکراه و... مورد مذاقه قرار می‌گیرد ولی سهمی از این مذاقه به خودکار در نمی‌رسد. در این تلقی که هوش مصنوعی را ابزار می‌پندارد، عواید و خسارات ناشی از اقدامات هوش مصنوعی متوجه مالک و به کارگیرنده خواهد بود.

سوی دیگر طیف، هوش مصنوعی را در جای‌گاه آدمی می‌نشاند و او را واجد همان اوضاع و احوال می‌داند که انسان

در آن موقعیت‌ها قرار می‌گیرد [۲۴]. در این جایگاه، هوش مصنوعی مالک می‌شود، می‌تواند حقوق فکری آثار مخلوق خود را دارا شود، می‌تواند تغییر تابعیت دهد (پس تبعاً دارای تابعیت است) حتی در نگاهی افراطی به این رویکرد، با پیشرفت‌هایی در قوه احساس هوش مصنوعی ممکن است روزی ازدواج کند و الگوریتمی مشترک را با زوج خود، به وجود آورد که فرزندش خوانده شود [۲۵]. طبعاً چنین ارجی که این رویکرد برای هوش مصنوعی قائل است، باعث خواهد شد تا عندالزوم هوش مصنوعی خسارات ناشی از اقداماتش را هم بپردازد و تکلیفی متوجه مالک نباشد. شایان ذکر است در این رویکرد اصولاً اهمیتی ندارد که آیا واقعاً هوش مصنوعی می‌اندیشد یا اینکه به تقلید از رفتار انسان مشغول است (وانمود می‌کند که می‌اندیشد)، همین که بتواند تعهدات قانونی خود و الزامات اعمال حقوقی خود را اجرا کند، برای این منظور کافی است. بر اساس این رویکرد البته عنان و حدود هوش مصنوعی تا حدود زیادی در دست اشخاص انسانی است. چه اینکه در مصنوعات حقوقی^۱ قدیمی‌تر مانند شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجارتی، حدود مالک‌شدن، موضوع فعالیت، مدت، اقامتگاه و سایر مختصات شخص را مؤسسان آن تعیین می‌کنند و اساساً شخص حقوقی خارج از آن حدود، واجد اهلیت تمتع نیز نمی‌باشد این مطلب می‌تواند در مورد هوش مصنوعی نیز به کار گرفته شود. بدین معنا که حد مالک‌شدن، حدود و موضوع فعالیت، اقامتگاه، تابعیت و سایر این مختصات به توسط عامل انسانی تعیین و اعمال شود.

۳-۲ تجربیات خارجی و ظرفیت قوانین ایران

در بررسی سیاست‌های کلان قانونی، ملاحظه می‌شود که اتحادیه اروپا در قانون اخیر هوش مصنوعی^۲، رویکرد ریسک‌محور^۳ را نسبت به تقنین هوش مصنوعی اتخاذ نموده و الزامات فراوان و بعضاً هزینه‌زا و سخت‌گیرانه‌ای را برای شرکت‌های توسعه‌دهنده هوش مصنوعی پیش‌بینی نموده است؛ حال آنکه ایالات متحده آمریکا در رویکرد خود نسبت به هوش مصنوعی، از رویکرد بازارمحور^۴ بهره برده است. بدین

^۱ Legal artifacts

^۲ Artificial Intelligence Act (2024) - EU

^۳ Risk-based approach

^۴ Market-driven approach

معنا که بازار تبادل خدمت و تقاضای هوش مصنوعی، هوش مصنوعی را هدایت می‌کند و برای چالش‌هایش نیز چاره می‌اندیشد.

همچنین تجربیاتی به صورت موردی، در خصوص اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی وجود دارد که نیازمند بررسی است. «شیبویا میرای» و «سوفیا» دو نمونه از این تجربیات هستند. در سال ۲۰۱۷ عربستان سعودی علی‌رغم آنکه حقوق‌دانان جهان هنوز مشغول بررسی پیشنهاد اتحادیه اروپا در خصوص اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی بودند، به رباتی به نام سوفیا تابعیت این کشور را اعطا کرد [۲۶]. همچنین شهر توکیو به عنوان اولین شهر جهان که به یک سامانه هوشمند (چت‌بات) به نام شیبویا میرای مدارک اقامت داد، شناخته شد [۲۷]. همچنین برخی مقررات ایرانی در خصوص موارد مشابه وجود دارد که اعتبار آن‌ها در این خصوص بررسی می‌شود. لذا در این قسمت، در دو بخش مجزا به تجربه مشابهی که در سایر نقاط جهان نسبت به شخصیت حقوقی هوش مصنوعی وجود داشته و سپس به ظرفیت قانونی نظام حقوقی ایران پرداخته خواهد شد.

الف) تجربه‌های خارجی

با گذر از سیاست‌های کلان، تجربیاتی در حوزه شناسایی شخصیت حقوقی وجود دارد. به عنوان مهم‌ترین نمونه، میتوان به قطعنامه ۲۰۱۷ پارلمان اروپا که حاوی پیشنهادهایی به کمیسیون قواعد حقوق مدنی در مورد رباتیک است، اشاره کرد. پارلمان اروپا صراحتاً از کمیسیون خواست تا پیامدهای ایجاد یک وضعیت حقوقی خاص برای ربات‌ها را در درازمدت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا حداقل پیچیده‌ترین ربات‌های خودمختار برای جبران هر گونه آسیبی که ممکن است وارد گردانند و در مواردی که ربات‌ها مستقل تصمیم می‌گیرند یا به طور مستقل با اشخاص ثالث تعامل دارند، را به‌عنوان شخص الکترونیکی^۱ مسئول تلقی کند [۲۸]. پارلمان اروپا در قطعنامه بعدی در سال ۲۰۲۰ موضع خود را تغییر داد و اعلام کرد که از آنجا که تمام فعالیت‌های فیزیکی یا مجازی، دستگاه‌ها یا فرایندهایی که توسط سیستم‌های

هوش مصنوعی هدایت می‌شوند ممکن است از نظر فنی عامل مستقیم یا غیرمستقیم ورود آسیب باشند، اما تقریباً همیشه نتیجه ساخت، استقرار یا تداخل شخص انسانی در سیستم‌ها هستند؛ بنابراین لازم نیست به سامانه‌های هوش مصنوعی شخصیت حقوقی داده شود [۲۹]. این فراز و فرود در نظرات کمیسیون اتحادیه اروپا مانع توجه محققین به این حوزه نشد. شاهد آنکه هر روز بر تعداد پژوهش‌هایی که در این حوزه در سطوح مختلف پژوهشی و دانشگاهی صورت می‌پذیرد، افزوده می‌شود [۳۰]؛ البته در نهایت هم اتحادیه اروپا در قانون هوش مصنوعی مصوب ۲۰۲۴ این موضوع را مسکوت گذارد و نفعاً یا اثباتاً متعرض آن نشد.

ب) قوانین ایران

برخی احتمال داده‌اند بتوان از اطلاق الفاظ برخی مقررات نظام حقوقی ایران، برای اعطای شخصیت حقوقی به سامانه‌های هوش‌مند استفاده کرد.

قانون تجارت الکترونیکی ایران (مصوب ۱۳۸۲) در بند «م» ماده ۲، عنوان داشته است که «شخص» از نظر این قانون، «اعم است از شخص "حقیقی" و "حقوقی" و یا "سیستم‌های رایانه‌ای" تحت کنترل آنان». از سوی دیگر در بند «و» این قانون، «سیستم‌های رایانه‌ای»^۲ چنین تعریف شده است: «هر نوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌های متصل سخت‌افزاری-نرم‌افزاری است که از طریق اجرای برنامه‌های پردازش خودکار «داده پیام» عمل می‌کند».

این عبارت و البته قانون محتوی این ماده (که مشتمل بر اولین تلاش‌های مقنن ایرانی درباره نظام‌مند کردن استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای و نیز از جامع‌ترین عناوین این حوزه است و حاوی نوآوری‌های بسیاری در این زمینه می‌باشد)؛ برخی از مؤلفان این حوزه را بر آن داشته تا تردید داشته باشند مبنی بر اینکه مقنن ایرانی، در این ماده سیستم‌های رایانه‌ای را تحت عنوان شخصیت حقوقی مستقل و نوع سوم شخصیت حقوقی (به عنوان قسم اشخاص حقیقی و حقوقی)

^۱ این عبارت در واژه‌گزینی به عنوان ترجمه Computer System آمده است. ما در این متن تلاش کرده‌ایم به جهت پاس‌داشت زبان فارسی، از «سامانه» به عنوان معادل استفاده نماییم؛ ولی بنا به ضرورت در نقل قول‌ها و یا اشاره به الفظی که قانون‌گذار استفاده کرده، ناگزیر از استفاده از کلمات بیگانه بوده‌ایم.

^۱ E-person

به تسهیل توسعه و بهره‌برداری از این فناوری و همچنین استفاده از آثار مثبت آن در پیش‌برد اهداف انسانی کمک کند [۳۲].

در پاسخ به سوال امکان اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی باید بیان داشت که به نظر می‌رسد از نظر تحلیلی، شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی امری ممکن باشد و با تدوین نظام ثبت از حیث شکلی و نیز اعمال اصلاحاتی جزئی در برخی مقررات از حیث ماهوی، مقدمات آن فراهم آمده و این شخصیت حقوقی مستقر و موثر می‌گردد.

در نتیجه، بحث از مسئولیت مدنی، مالکیت فکری و قراردادهای هوش مصنوعی جملگی به عنوان نتایج پرسش پژوهش حاضر قابل بررسی می‌گردد. بدین معنا که با پذیرش شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، اگر خسارتی ناشی از اقدامات هوش مصنوعی بر اموال دیگران وارد آید، دارایی شخص حقوقی (هوش مصنوعی) به عنوان ذمه مستقلاً در عرض دارایی دارنده یا استفاده‌کننده از هوش مصنوعی، به وصول مابه‌ازای خسارات وارده، محسوب و باعث تسهیل جبران گردد. به‌همین ترتیب، اگر شخصیت حقوقی هوش مصنوعی پذیرفته شود، تحلیل قراردادهای منعقدشده توسط او و بحث از مسئولیت‌های احتمالی متصور، سهل‌تر خواهد بود. با این تفصیل و با مقدماتی که گذشت پژوهش حاضر در پاسخ به سوالی که در ساحت نخست و در مقام «سنجش امکان» بر اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی می‌نگریست، داشتن شخصیت حقوقی توسط هوش مصنوعی را امری ممکن تلقی می‌کند.

پیشنهاد سیاستی برای قانون‌گذار ایرانی

در رویکرد تجویزی^۱، نتیجه پژوهش حاضر اذعان می‌دارد که گرچه تحلیل رویکرد قانونی دولت‌ها به هوش مصنوعی از حوصله این مقاله خارج بوده اما اگر به رویکردهای مختلف در این خصوص نگرسته شود، معلوم می‌گردد که پذیرش شخصیت حقوقی هوش مصنوعی می‌تواند در رویکرد کلی قانون‌گذار ایرانی به هوش مصنوعی موثر باشد. چه از آن‌رو که رویکرد متناسب در تمهید قانونی در خصوص هوش

پذیرفته است [۳۱]. گرچه متن و فرامتن ماده، بدین سو گرایش دارد که مقنن درصدد بوده تا به سامانه‌های رایانه‌ای اعطای شخصیت حقوقی کند، اما دادن چنین احتمالی، به نظر، زیاده‌روی می‌آید. زیرا اساساً ماده در مقام بیان یک حکم ماهوی (ایجاد یک رژیم جدید شخصیت حقوقی) نبوده، بلکه در مقام تعریف واژگان به‌کاررفته در آن قانون است. از سوی دیگر اعطای شخصیت حقوقی نیازمند ایجاد یک سازکار ثبتي جامع است. در حالی که نه این قانون و نه مصوبات دیگر آن مرجع، به چنین مضمونی اشاره ندارند.

نکته قابل‌توجه در خصوص قوانین ایران در برخورد با شخصیت حقوقی هوش مصنوعی آن است که گرچه بتوان تصور نمود با اندکی تغییر در نگرش و یا تفسیر نوین از مقررات ثبت شرکت‌ها، بتوان چاره مشابهی برای هوش مصنوعی در نظر گرفت، ولی عمده آن است که نظام ثبت خاصی برای شخصیت حقوقی هوش مصنوعی در قانون ایران پیش‌بینی نشده است و تا زمان تدوین چنین نظامی، ثبت هوش مصنوعی و به تبع آن، تصور شخصیت حقوقی دور از ذهن می‌نماید.

۴- نتیجه‌گیری

نخست به نظر می‌رسد از چند منظر اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی مفید و ضروری است. اولاً، از نظر اقتصادی، سرمایه‌گذاران برای افزایش ریسک‌پذیری خود به امنیت حقوقی نیاز دارند؛ زیرا اگر مسئولیت‌های ناشی از تصمیمات هوش مصنوعی به توسعه‌دهندگان آن تحمیل شود، رشد این فناوری و مزایای اقتصادی آن با کندی مواجه خواهد شد. ثانیاً، در بُعد اجتماعی، انقلاب صنعتی ناشی از هوش مصنوعی و آثار اقتصادی ناشی از آن، فرصتی برای کشورهای درحال‌توسعه فراهم می‌آورد تا فاصله خود را با کشورهای صنعتی کاهش دهند. این امر مستلزم ایجاد چهارچوب‌های حقوقی مناسب برای هوش مصنوعی است تا به سؤالات مربوط به مسئولیت، دارایی و حقوق مالکیت فکری پاسخ داده شود. همچنین، با توجه به نقش روزافزون هوش مصنوعی در مشاغل مختلف، نیاز به تنظیم‌گری قانونی برای تعیین جایگاه آن در جامعه احساس می‌شود. در نهایت، اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی نه تنها ضروری است بلکه می‌تواند

¹ Normative approach

مصنوعی^۱، نباید به تقلید صرف از رویکردهای موجود در میان دولت‌های دیگر منحصر گردد، شناسایی شخصیت حقوقی هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان وجه ممیز رویکرد دولت ایران به مسئله تقنین در حوزه هوش مصنوعی شناخته شود. زیرا این نکته حائز اهمیت است که مقنن در دولت‌های در حال توسعه باید رویکرد متوسطی نسبت به حوزه‌های توسعه‌یافته، در خصوص هوش مصنوعی اتخاذ نماید [۳۳].

با این توضیح که رویکرد ریسک‌محور برای کشورهای در حال توسعه که نقش به‌سزایی در اقتصاد و توسعه فنی هوش مصنوعی ندارند و تا حدود بسیار زیادی مصرف‌کننده خدمات هوش مصنوعی محسوب می‌گردند، باعث عدم همکاری و عدم حضور موثر و همه‌جانبه شرکت‌های توسعه‌دهنده هوش مصنوعی در آن‌ها خواهد شد از سوی دیگر رویکرد آمریکایی به قانون‌گذاری هوش مصنوعی، در کشورهای در حال توسعه، منتج به وضع غیرقابل‌کنترلی در حوزه مسئولیت‌های احتمالی ناشی از خسارات وارده به تابعان آن دولت‌ها خواهد گشت. زیرا در کشورهای در حال توسعه، شرکت‌های چند ملیتی هوش مصنوعی به سبب تفوق مالی، از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار هستند که حمایت دولت متبوع از تابعانش را لازم می‌نماید.

با این تفصیل، به نظر می‌رسد پذیرش شخصیت حقوقی هوش مصنوعی چاره‌ای برای قانونی‌کردن مناسب‌تر هوش مصنوعی در ایران (و به طور کلی در کشورهای در حال توسعه) تلقی می‌گردد. زیرا با تجربه خوب و مناسبی که از حقوق شرکت‌ها و اشخاص حقوقی سنتی در این دولت‌ها وجود دارد، می‌توان با دقت بالاتری بیان کرد که در نظر گرفتن شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی، می‌تواند وضعی قابل‌پیش‌بینی را در این حوزه به وجود آورد.

پذیرش شخصیت حقوقی به معنای ترسیم خطوط کلی مد نظر سیاست‌گذار و حدود و ثغور معین و شفاف برای موضوع

اعطای شخصیت خواهد بود و در عین حال از آن‌رو که در حیطه مقرر شده برای شخصیت حقوقی، آزادی عمل برای مؤسسان و مدیران شخصیت حقوقی وجود دارد، این وضعیت می‌تواند بین منافع ملی کشورهای در حال توسعه (از نظر تضمین حقوق و امنیت شهروندان) و هم از نظر منافع شرکت‌های توسعه‌دهنده توازن برقرار کرده و در نهایت، مانع تضرر این کشورها شده و نفع شرکت‌های مذکور را نیز تضمین می‌نماید. با این توضیح که تضمین منفعت ایشان منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر و در نتیجه، باعث جلب سود و در نهایت مساهمت بیشتر در توسعه کشورهای مقصد می‌شود.

البته باید بیان داشت که این مطلب و این سیاست باید در حوزه‌های مختلف اعم از حوزه عمومی^۲، حوزه آموزش، بهداشت و دیگر حوزه‌های حساس که ذاتاً محوطه عمل دولت‌ها هستند، و به طور مستقیم با منافع عامه نسبت تام دارند، باید با در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگی‌های منحصربه‌فرد این حوزه‌ها و مصلحت عمومی همراه باشد.

تعارض منافع

نویسندگان تعهد می‌کنند که هیچ تعارض منافی در این مقاله وجود نداشته‌است.

References

- [1] Sazegarnejad ahmad, Ahmadi A M, abedinzadeh zahra, Fatemi F, Roknadini F, Mirzaei M, Nazifkar M, khajepoor bahareh, Fatemi H and Miremadi S (2024) "Generative artificial intelligence", *Journal of Science and Technology Policy*, 17, Pp.1-100 {in Persian}. Available at: https://jstp.nrisp.ac.ir/article_14031.html?lang=en;
- [2] Kanani, F., Rasoulia, P., Hafezi, R. and Ahangari, S. S. (2023). "Analysis of the Artificial Intelligence Ecosystem in Iran and Identifying Institutional and Functional Gaps". *Journal of Science and Technology Policy*, 16(2), 59-77. {in Persian} DOI: <https://doi.org/10.22034/jstp.2023.11303.1648>
- [3] Imami, seyyed hasan (2008) *Civil law*, Vol. 4, *Islamiyeh publication*, Tehran. P.166 {in Persian}.
- [4] Saffar, Mohammad Javad (2016). *Judicial Personality*, *Behnami publication*, Tehran, P.99 {in Persian}.
- [5] Safaei, Seyed Hosein & Ghasemzade, Seyed Morteza (2023). *Persons and persons under legal*

^۱ نگارندگان عامدانه از بیان «مواجهه با هوش مصنوعی» خودداری کرده‌اند. زیرا هوش مصنوعی و مباحث حقوقی پیرامون آن، در ایران و نیز در جهان در خوان اول بوده و استفاده از تعبیری که با القای بار معنایی منفی، بیگانه‌انگاری و نامطلوب‌خوانی را در نظر اول، با خود به همراه دارند، در نتیجه کنش یک دولت نسبت به یک موضوع نورسیده موثر می‌افتد. در نتیجه، رواج این چنینی تعابیر تا مدت‌های مدید این زاویه دید را بر جملگی استنتاجات حقوق‌دانان و دانشیان آن حوزه مستولی می‌گرداند.

^۲ Public Sector

- Courses”, *AI Magazine*, Vol.38, Iss.2, 22-34. DOI: <http://dx.doi.org/10.1609/aimag.v38i2.2731>
- [19] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, P.138. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [20] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, P.145. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [21] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, Pp.146-151. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [22] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, Pp.147. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>;
- Chopra Samir and Laurence F. White, (2011). **A Legal Theory for Autonomous Artificial Agents**, *University of Michigan Press*, pp.160-170. DOI: <https://doi.org/10.3998/mpub.356801>
- [23] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, Pp.179. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [24] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, Pp.179. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [25] Sharma, Divyanshi (2023). “US Woman marries AI bot created on Replika, calls him the perfect husband” Available at: <https://www.indiatoday.in/technology/news/story/us-woman-marries-ai-bot-created-on-replika-calls-him-the-perfect-husband-2388700-2023-06-04> visited: July 2023
- [26] Maza, Cristina (2017). “Saudi Arabia Gives Citizenship to a Non-Muslim, English-Speaking Robot”, available at: <https://www.newsweek.com/saudi-arabia-robot-sophia-muslim-694152> visited: July 2023
- [27] Caughill, Patrick (2017) “An Artificial Intelligence Has Officially Been Granted Residency” available at: <https://www.worldgovernmentsummit.org/observer/articles/2017/detail/an-artificial-intelligence-has-officially-been-granted-residency#:~:text=Tokyo%2C%20Japan%20may%20have%20just,the%20popular%20Line%20messaging%20app.> Visited: November 2024
- [28] European Parliament resolution of 16 February 2017 with recommendations to the Commission on Civil Law Rules on Robotics (2015/2103(INL)) (2018/C 252/25) available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:52017IP0051>
- [29] European Parliament resolution of 20 October 2020 with recommendations to the Commission on a civil liability regime for artificial intelligence (2020/2014(INL)) available at: <https://eur-incapacity>, 5th edition, *Samt publication*, Tehran, P.9 {in Persian}.
- [5] Fax-Genovese, Elizabeth, (1992). “Legal Status of Families as Institutions”, 77 *Cornell L. Rev.* P.992, Available at: <https://scholarship.law.cornell.edu/clr/vol77/iss5/11>
- [6] Saffar, Mohammad Javad (2016). **Judicial Personality**, *Behnami publication*, Tehran, P.47-48 {in Persian}; Solaiman, S.M., (2017). “Legal personality of robots, corporations, idols and chimpanzees: a quest for legitimacy” *Artificial intelligence and Law*, 25, Pp. 155–179, DOI: <https://doi.org/10.1007/s10506-016-9192-3>
- [7] Djaja, Benny, and Suherman, Viona (2023). “The Church as a Legal Entity Owning Property Rights”. *International Journal of Application on Social Science and Humanities*, Vol. 1, No. 1, Feb 2023: Pp.1125-1135. DOI: <https://doi.org/10.24912/ijassh.v1i1.25728>
- [8] Boroojerdi Abdoh, Mohammad, (2016). **Islamic law**, *Tehran University publication*, Tehran, P.328 {in Persian}.
- [9] Yazdi, Seyed Mohammad Kazem, (2000). **Al-Urwah al-Wuthqa**, volume 4, *Al-nashr-ul islami (Islamic publication) - Society of Seminary Teachers of Qom*, Qom, P.179-180 {In Arabic}.
- [10] Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, & Mehryar, Mazyar. (2021). “Legal Personality of Zakāt in Jurisprudence and its Relationship with Public Treasury”. *Jurisprudence the Essentials of the Islamic Law*, 53(2), Pp.441-423. {In Persian}. DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2021.293181.668948>
- [11] Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa & Mehryar, Mohammad, (2019). **Fiqhi and legal analysis of Waqf**, Volume 1, *Islamic sciences publication*: Tehran, P.16 {In Persian}.
- [12] Issaei Tafreshi, Mohammad, (2021). **Analytical Studies on Company Law**, volume 1, 4th edition, *Tarbiat Modares university publication*, Tehran, Pp.90 -98 {in Persian}.
- [13] tabatabaei hesari, Nasrin & Safi zadeh, sourosh (2020), **Commercial Companies Registration**, *Tehran University publication*, Tehran, Pp.3-4. {In Persian}.
- [14] Kurki, Visa A.J. (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, P.141. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [15] Kant, Immanuel (1991). **Metaphysics of Morals**, *Cambridge University Press*, p.30 DOI: <https://doi.org/10.1017/CBO9780511809644>
- [16] Kurki, Visa A.J., Tomasz Pietrzykowski (editors), (2017). **Legal Personhood: Animals, Artificial Intelligence and the Unborn**, *Law and Philosophy library* 119, *Springer*, P.7. DOI: <https://doi.org/10.1007/978-3-319-53462-6>
- [17] Kurki, Visa A.J., (2019). **A Theory of Legal Personhood**, *Oxford University Press*, LEGAL PHILOSOPHY Series, P.142. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198844037.001.0001>
- [18] Burton, Emmanuelle and Others, (2017). “Ethical Considerations in Artificial Intelligence

Person - 2017)", *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, No. 103 (Fall 2019), Pp.307-333.

[32] Mondher & Karray, Sana. (2024). "Navigating the AI Frontier: Legal, Ethical, and Societal Considerations for Artificial Personhood", *Journal of Ethics in Higher Education* 4(2024): 123–142. DOI: <https://doi.org/10.26034/fr.jehe.2024.5965>

[33] A Complex Adaptive System Framework to Regulate AI (2023) EAC-PM Working Paper Series EAC-PM/WP/26/2023. Available at: <https://eacpm.gov.in/wp-content/uploads/2023/10/EACPM-WP26-A-Complex-Adaptive-System-Framework-to-Regulate-AI.pdf>

[lex.europa.eu/legal-](https://lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A52020IP0276)

[content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A52020IP0276](https://lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A52020IP0276)

[30] Giannini, Alice (2023) **Criminal Behavior and Accountability of Artificial Intelligence Systems**, Dissertation to obtain the degree of Doctor at the University of Florence and at Maastricht University. Pp.10-13. Available at:

<https://flore.unifi.it/bitstream/2158/1345544/1/A.%20Giannini-Criminal%20Behavior%20and%20Accountability%20of%20Artificial%20Intelligence%20Systems.pdf>

[31] Vaseqi, Mohsen (2020) "Feasibility assessment of granting legal personality to intelligent robots based on the European Union resolution (Electronic

